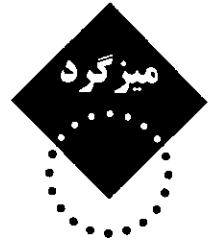


بازنگری قانون تجارت در نقد صاحبنظران



بخش اول

۱ اشاره

در جهان امروز، علما و اندیشمندان اقتصادی برای شرکتها و بنگاههای اقتصادی و تجاری در جهت توسعه و شکوفایی اقتصادی کشورها، جایگاه و نقش موثری قائلند و نگاهی به عملکرد بنگاههای موفق، مؤید این نکته است. بدیهی است برای بهبود عملکرد و حرکت روان سازمانها و شرکتهای تجاری آنچه بیشتر مورد نیاز مدیران بنگاههاست، بستر و محیطی مناسب است.

به اعتقاد بسیاری از صاحبنظران یکی از بسترهای اساسی و کارساز در این زمینه، «قانون تجارت» است. قانون تجارت کشور ما که متن اولیه آن به سال ۱۳۱۱ بازمی گردد و پس از آن نیز با اصلاحات مختصری همراه بوده است، امروزه به رغم تغییر شرایط و تحولات داخلی و خارجی دست نخورده باقی مانده و پاسخگوی نیازهای روز جامعه نیست.

طبیعی است کمبودها و نارساییهایی در قانون تجارت فعلی دیده می شود که رفع آنها و طرح موضوعاتی نظیر شرکتهای مادر، ادغام شرکتهای حسابهای تلفیقی، تجارت الکترونیک، دادگاه قانون تجارت، حقوق اقلیت و... به شدت احساس می شود. از این رو چندی است که اصلاح و بازنگری قانون تجارت در دستور کار دولت قرار گرفته و وزارت بازرگانی با تشکیل شورایی به نام «شورای بازنگری قانون تجارت» مسئولیت این امر خطیر را برعهده دارد. شورای بازنگری، مجموعه کار را به چهار بخش کلی تقسیم کرده که خوشبختانه پس از مدتها مطالعه میدانی و کتابخانه ای، پیش نویس بخش کلیات و تعاریف منتشر شده و برای نقد و ارزیابی در اختیار صاحبنظران قرار دارد.

نظر به اهمیت موضوع، تدبیر برپایه رسالت فرهنگی و علمی خود میزگردی را با شرکت جمعی از صاحبنظران و کارشناسان به این امر اختصاص داده که در دو شماره تقدیم علاقه مندان می شود.

در این شماره شرکت کنندگان در بحث پیرامون مهمترین تنگناهای قانون تجارت و نیز متدولوژی و روش شناسی پیش نویس قانون جدید تجارت سخن می گویند و در شماره آینده نیز خوانندگان با کمبودها، کاستی ها و نقاط قوت پیش نویس آشنا خواهند شد. در همین جا یادآور می شویم ماهنامه تدبیر آماده دریافت و درج نظرات خوانندگان گرامی بویژه مدیران بنگاهها در این زمینه است.

با سپاس از شرکت کنندگان ارجمند، بخش نخست میزگرد را از نظر می گذرانیم.

شرکت کنندگان در میزگرد:

ریبعا اسکینی:

دکترای دولتی در حقوق خصوصی از دانشگاه پاریس، مدیرکل دفتر حقوقی و عضو هیأت علمی سازمان انرژی اتمی ایران، قاضی دادگستری، استاد دانشگاه، دارای تالیفات و مقالات متعدد در زمینه مسایل حقوقی و قراردادها.



هوشنگ تهرانی:

فوق لیسانس امور مالی، عضو هیأت نظارت بورس اوراق بهادار تهران، با پیشینه اجرایی مشاغل مالیاتی در وزارت امور اقتصادی و دارایی، مدیرکل نظارت بر امور شرکتهای دولتی و رئیس هیأت عالی بازرسی شرکت ملی نفت ایران.



علیرضا خادم معبودی:

فوق لیسانس حسابداری از دانشگاه علامه طباطبایی، مدیر نظارت ارزشیابی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، مدرس دانشگاه.



مجید درویش:

فوق لیسانس اقتصاد، سرپرست گروه اقتصاد سازمان مدیریت صنعتی و مدرس مرکز آموزش این سازمان.



محمدجواد صفار:

فوق لیسانس حسابداری از دانشکده حسابداری و امور مالی شرکت نفت، دبیرکل جامعه حسابداران و عضو هیأت عالی نظارت سازمان حسابرسی، با پیشینه سی سال فعالیت در زمینه حسابرسی.



غلام نبی فیضی چکاب:

دکترای حقوق از فرانسه، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، وکیل پایه یک دادگستری و مشاور دعوی بین المللی، عضو شورای بازنگری و اصلاح قانون تجارت و مجری و تهیه کننده پیش نویس بخش کلیات این قانون، دارای پانزده سال سابقه کار اجرایی و مسئولیت در بخشهای دولتی و خصوصی.



که در مورد بخش کلیات و تعاریف این کار انجام شده و برای بررسیهای بعدی به دولت ارائه شده است و در مورد سه بخش دیگر، کار در این مرحله ادامه دارد.

به نظر می رسد علی رغم زمانبندی غیر کارشناسی که برای تهیه و تدوین پیش نویس قانون تجارت در نظر گرفته شده بود، فرایند آن طولانی باشد. پس از تهیه پیش نویس بایستی در دولت و پس از آن، در مجلس به تصویب برسد و در نهایت از تایید شورای نگهبان بگذرد.

امیدواریم که این گونه جلسات و میزگردها در فرایند تهیه و تصویب این قانون تاثیر مثبت داشته باشد که حتماً نیز همین طور خواهد بود.

در این جلسه، ضمن اینکه مهمترین نارساییها و کمبودهای قانون تجارت فعلی را مطرح می کنیم، نگاهی نیز به پیش نویس تهیه شده خواهیم داشت که آیا نارساییها و کمبودها برطرف شده است یا اینکه احتمالاً در برخی از بخشها، ابهامات بیشتری به قانون اضافه شده است؟! یکی از تجارب سالهای گذشته این بوده است که در بسیاری موارد که قوانین تغییر کردند، مشکلات بیشتری را به دنبال داشتند.

امیدواریم که در مورد قانون تجارت این اتفاق نیفتد. بنابراین، دوستان می توانند

مهمترین مشکلات و نارساییهای قانون تجارت در بخش شرکتهای تجاری مشخص شد. در مرحله بعد، این بخش از قانون تجارت را به چند محور مطالعاتی تقسیم کردیم تا در هر یک از طریق مطالعه تطبیقی و مطالعه میدانی، پیشنهادهایی برای اصلاح آن قسمت از قانون تجارت ارائه نماییم. در این روش، ضمن اینکه قانون تجارت کشورهای پیشرفته مطالعه می شود، در کنار آن، با استفاده از مطالعه میدانی، آنچه را که با تجارت و اقتصاد کشورمان تناسب دارد، پیشنهاد می کنیم.

بخشهای چهارگانه

به هر حال، همان طور که گفته شد، مسئولیت بازننگری در قانون تجارت به وزارت بازرگانی سپرده شد. در آنجا پس از تشکیل شورای بازننگری قانون تجارت، کار را به چهار بخش کلی تقسیم و به چهار کمیسیون ارجاع کردند. این چهار بخش عبارتند از: کلیات و تعاریف، شرکتهای تجاری، اسناد تجاری و ورشکستگی. هر کمیسیون، در بخش مربوط به خود، پیش نویس اولیه ای را تهیه کرد که اوایل سال جاری با تعیین مهلت بسیار کوتاهی جهت اظهار نظر برای دستگاههای مختلف ارسال شد. پس از این مرحله، گروههای کاری در چهار بخش مذکور، به اصلاح متن اولیه پرداخته اند

درویش: به نام خدا. با تشکر و خیرمقدم به میهمانان گرامی، موضوع مورد بحث در این میزگرد، مشکلات و نارساییهای قانون تجارت فعلی و چگونگی اصلاح و بازننگری آن است. همان گونه که مطلعید، سال گذشته هیات دولت در ارتباط با بازننگری در قانون تجارت مصوبه ای داشت و این امر را بر عهده وزارت بازرگانی گذاشت تا با همکاری برخی وزارتخانه های دیگر، این مهم را به انجام رساند. البته پیش از آن، برخی سازمانها و مراکز در مورد بخشهایی از قانون تجارت، کار پژوهشی انجام داده بودند و یا بعضی جراید و رسانه ها به بررسی کمبودها و نارساییهای این قانون پرداخته بودند. مجله تدبیر نیز، حدود دو سال پیش میزگردی برگزار کرد که در آن مهمترین مشکلات شرکتهای در ارتباط با قانون تجارت مورد بحث قرار گرفت.

از فعالیتهای پژوهشی می توان به طرح پژوهشی اشاره کرد که به سفارش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران در سازمان مدیریت صنعتی انجام شد. در این طرح، کمبودها و نارساییهای قانون تجارت در بخش شرکتهای تجاری مورد مطالعه بوده است. در مرحله اول، یک مطالعه میدانی انجام دادیم که در آن، از طریق مصاحبه با مدیران و مشاوران حقوقی شرکتهای و نیز با تکمیل پرسشنامه،



می خواهیم تغییرش دهیم؟ اولین قدم این تغییر باید مبین این مساله باشد که آیا در حال حاضر این تغییر باید ساختاری یا اصلاحی باشد؟ چه تفاوتی بین آن زمان که قانون فعلی تصویب شده از لحاظ بستری که این قانون در آن اجرا می شود، در جامعه پیدا شده است؟ ساختار اقتصادی و یا تجارتي چه تغییراتی پیدا کرده است؟ عناصر و بازیگران تجارت و اقتصاد چه تغییراتی کرده اند؟ این تغییرات ما را به این مرحله رسانده است که آیا بایستی این ساختار را عوض کنیم یا اینکه دست به اصلاح آن بزنیم؟

هریک از این دو رویکرد، متدولوژی خاص خود را می طلبد. ما هنوز نفهمیدیم که هدف از تغییر قانون تجارت چیست؟ یعنی هنوز موضوع و روش تغییر، تعیین نشده است که ما می خواهیم ساختار قانون تجارت را عوض کنیم و الگویی جدید را جانشین کنیم تا این الگو برای آینده طولانی مورد استفاده قرار گیرد، یا اینکه می خواهیم مشکلاتمان را با همین قانون حل کنیم؟

بنابراین بهتر بود که این تبیین صورت می گرفت که البته خودش یک کار خیلی بنیادی می طلبد. در یک چنین فضایی که کار تبیین و علل و اسباب تغییر فراهم شود، به نظر من نیروهایی که این کار را انجام می دهند اعم از پژوهشگران، اساتید، متخصصان و کارشناسان دستگاههای دولتی و غیردولتی همه کاری را صورت می دهند که برای مثال مانند این می ماند که می خواهند در استخری یک سوزن را پیدا کنند و نمی دانند که در این محدوده بزرگ چه می خواهند و ناگزیر برمی گردند به اولویت دادن به آن چیزهایی که حاصل تفکر و ارزشهای فردی خودشان است.

متدولوژی برپایه نیازها

قطعاً در دنیای امروز این گونه برخورد کردن ما را به نتیجه خوبی نخواهد رساند و فقط وقت و انرژی زیادی صرف می شود. بنابراین اگر فرصت باشد که متدولوژی براساس تبیین آن نیازها صورت گیرد، قطعاً مشکلات کمتر خواهد بود. شناخت مشکل و موضوع مبتلا به را باید خیلی جدی گرفت.

در اظهارات خود ضمن اینکه مشکلات قانون تجارت فعلی را مطرح می کنند، پیش نویس تهیه شده را نیز مورد نقد و بررسی قرار دهند.

روش بازنگری

یک بحث مهم مربوط به روش و متدولوژی است که در بازنگری قانون تجارت اتخاذ شده است. آیا این روش منطقی و علمی است؟ در کشورهای دیگر، فرایند تهیه و تصویب قانون چگونه است؟ در تهیه این پیش نویس، کل قانون تجارت مدنظر قرار گرفته است. رویکرد دیگر این است که بخشهایی از قانون تجارت را مورد لحاظ قرار دهیم، یعنی بخشهایی را که به دلیل نیاز اقتصاد کشور به آنها اصلاح و بازنگری در آنها ضرورت بیشتری دارد. دولت نیز ابتدا با این موضوع این گونه برخورد کرد، یعنی در مصوبه ای که در اردیبهشت ماه سال گذشته داشت، موضوعات خاصی را مطرح کرده بود، از جمله موضوع ادغام شرکتها، شرکتهای مادر، انحلال و تصفیه شرکتها و چند موضوع دیگر. چند ماه پس از این مصوبه، ماجرا به جبهتی سوق داده شد که کل قانون تجارت بازنگری شود. به هر حال، این دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول در عمل با احتیاط بیشتری همراه است و به نظر می رسد که براساس آن، کار پایه ای تر می توان انجام داد.

از دوستان حاضر در جلسه خواهش می کنم نظرات خود را در این زمینه، یعنی روش بازنگری قانون تجارت مطرح بفرمایند.

تهرانی: سرورانی که کارهای آکادمیک انجام داده اند و تجربیاتی در قوانین تجارتي کشورهای دیگر و سیستم های حقوقی و تجارتي دارند، بهتر از من می دانند که همواره دورویکرد به قضیه می توان داشت: ایجاد ساختاری جدید، ایجاد تغییراتی در وضعیت موجود.

مثلاً وقتی مرحوم داور در سال ۱۳۱۳ قانون تجارت را مطرح کرد، طبیعی است که یک نظام حقوقی عرفی تجارتي را به جای وضعیت قبلی برقرار کرد و طرح خود را نیز براساس شرایط آن روز از مأخذها و منابعی اقتباس کرده است. ولی امروز برای تغییر این قانون، چه می خواهیم انجام دهیم؟ به چه دلیل



درویش:

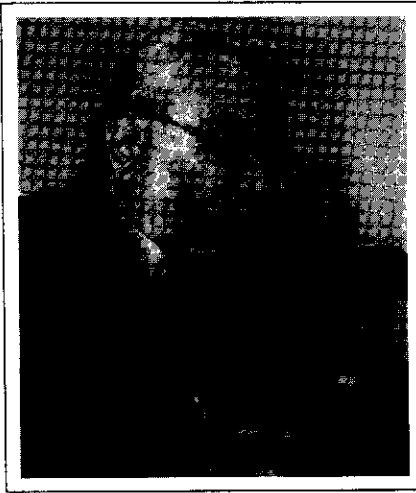
شورای بازنگری قانون تجارت، کار را به چهار بخش کلی تقسیم کرده است: کلیات و تعاریف، شرکتهای تجاری، اسناد تجاری، و رشکستی.

پس از دریافت اظهار نظر دستگاههای مختلف در مورد بخش کلیات و تعاریف، اصلاح متن اولیه صورت گرفته و برای بررسیهای بعدی به دولت ارائه شده است.

به نظر می رسد علی رغم زمانبندی غیرکارشناسی که برای تهیه و تدوین پیش نویس قانون تجارت در نظر گرفته شده بود، فرایند آن طولانی باشد.

براساس تجارب سالهای گذشته در بسیاری موارد که قوانین تغییر کردند، مشکلات بیشتری را به دنبال خود داشتند.

دولت در اردیبهشت ماه سال گذشته، مصوبه ای در مورد ادغام شرکتها، شرکتهای مادر، انحلال و تصفیه شرکتها و... داشت که چندماه پس از آن ماجرا به جبهتی سوق داده شد که کل قانون تجارت بازنگری شود.



تهرانی:

درمورد قانون تجارت دو رویکرد وجود دارد: ۱ - ایجاد ساختاری جدید، ۲ - ایجاد تغییراتی در وضعیت موجود.

هریک از دو رویکرد قانون تجارت، به روش شناسی خاص خود نیاز دارد.

نیروهای مختلفی که در پی تغییر قانون تجارت هستند ناگزیر به اولویت دادن به آن موضوعاتی اند که حاصل تفکر و ارزشهای فردی خودشان است.

اگر فرصت اقتضا کند که متدولوژی براساس نیازها صورت گیرد، قطعاً مشکلات کمتر خواهد بود.

صرف اینکه مفاد قانون تجارت به صورت اصلاحات در جریان تصویب و بررسیهای مراحل بعدی قرار گیرد، قطعاً موانع بزرگی در مقابل آن ایجاد خواهد شد.

اولین قدم برای تغییر قانون تجارت، باید بیانگر این مساله باشد که آیا در حال حاضر تغییر قانون تجارت بایستی ساختاری یا اصلاحی باشد.

در هیات دولت هم ظاهراً براساس تفکر رویکرد به اجرای برنامه سوم توسعه، یک مصوبه ارائه شد که بیشتر ناظر به بحث انحلال، ادغام شرکتها و مسأله کنسرسیوم ها بود و درحقیقت محور اصلی شاید همان بحث شرکتها بود. قرار شد که این اقدام صورت گیرد و در نتیجه به وزارت بازرگانی، ارجاع شد.

همزمان مرکز پژوهشهای مجلس، شورای عالی توسعه قضایی در قوه قضائیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی، کارهایی را در این زمینه انجام می دادند. از طرفی مرکزیت و متولی اصلی این قضیه هم از لحاظ قانونی با وزارت بازرگانی بود که باید آن مصوبه را به انجام می رساند.

من در همین جا یک مطلب را روشن کنم که نه وزارت بازرگانی و نه شورای بازرگانی قانون تجارت و نه مجریان، هیچ کدام نظرشان بر شش ماه و یکسال نبوده است، بلکه برعکس در اولین پیشنهادی که صورت گرفته، حداقل سه سال زمان درخواست شده است. البته دولت چنین نظری نداشت و عجله داشت و می خواست کار به یک جایی برسد.

دو رویکرد

در کنار این مسأله، بررسی شد که حدود اصلاحات و بازرگانی و عمق آن چقدر باشد؟ دو رویکرد بود: یکی اینکه اصلاحات فقط در چارچوب اولیه همان مصوبه هیات دولت صورت گیرد و حداقل تغییرات هم داده شود. البته این کار انجام شدنی نبود، چرا که شما نمی توانید بین اجزای یک قانون تفکیک قائل شوید. اگر شما بخواهید بخشی از قانون را دست کاری و به روز کنید و اصطلاحاً روزآمد کنید نمی توانید نسبت به سایر قسمتهای مرتبط آن بی اعتنا باشید. مثلاً شما می خواهید بحث کنسرسیوم ها، ادغام شرکتها و تجارت الکترونیک را که در برنامه سوم توسعه و مصوبه دولت به آنها اشاره شده است در قانون تجارت مطرح کنید. با توجه به قدمت قانون تجارت ۱۳۱۱ و روند روبه رشد فناوری و توسعه روزافزون صنعت و تجارت اگر فقط ادغام شرکتها را بررسی کنید، یک چیز عبث از آب درخواهد آمد. در واقع شرکت بدون دفاترش معنا ندارد. پاسخگویی تمام مسائل شرکتها باید در جایی بروز کند. شرکتی که شما قوانین آن را

براساس تجربیات شخصی عرض می کنم صرف اینکه مفاد قانون تجارت به صورت اصلاحات در جریان تصویب و بررسی های مراحل بعدی قرار گیرد، قطعاً موانع بزرگی از جهات مختلف در جلوی ایجاد خواهد شد. چرا که قانون جدید نمی تواند بگوید چه چیز می خواهم؟ برای کجا می خواهم؟ و چه هدفی را دنبال می کنم؟ به طور کلی همه جا گفته می شود که تغییر قانون کار، تغییر قانون مالیات و تغییر قانون تجارت ضرورت است. چرا و چگونه و به چه منظور معلوم نیست و همه در یک فضای ناکجا آباد سیر می کنند.

دکتر فیضی: باتوجه به تصویبنامه هیات دولت، به نظر من اصلاح و بازرگانی قانون تجارت یک متولی اصلی دارد، که وزارت بازرگانی است.

کار علمی

مسایلی نظیر چگونگی شکل گرفتن این قضیه در دولت، ارجاع آن به وزارتخانه های مختلف و سرانجام ختم شدن به وزارت بازرگانی، تشکیل کمیته فعلی، مجریان چهارگانه و شورای بازرگانی و اصلاح قانون تجارت، مسائلی است که به اعتقاد من از نظر کسی که از لحاظ اداری باید پاسخگو باشد به او مربوط می شود و من چندان علاقه مند نیستم که به آن بخش وارد شوم، چرا که ما کار علمی خودمان را انجام می دهیم.

اما به عنوان یکی از کسانی که درگیر این مسأله بودم، اطلاعاتم را می توانم بیان کنم. کمالینکه اگر پاسخی قرار است داده شود، بهتر است کتباً از متولیان رسمی استعلام شود تا پاسخ خود را ارسال نمایند.

اما به عنوان یکی از اعضای شورای بازرگانی و اصلاح قانون تجارت و یکی از مجریان چهارگانه این پروژه میل دارم که از جای دیگری، بحث را شروع کرده تا به یک نقطه منطقی برسیم.

دوستان استحضار دارند که بعد از تصویب قانون برنامه سوم توسعه، بحثهایی نظیر خصوصی سازی، کوچک کردن دولت و ادغام شرکتها مطرح شد. بحث ادغام و یا حذف شرکتهای دولتی و جایگاه آنها و مسأله شرکتهای مادر تخصصی، همگی میوه و زائیده روند شکل گیری برنامه سوم است.



دکتر فیضی:

اصلاح و بازنگری قانون تجارت یک متولی اصلی دارد که وزارت بازرگانی است.

اگر شما بخواهید بخشی از قانون را دستکاری و روز آمد کنید، نمی توانید نسبت به سایر قسمتهای مرتبط با آن بی اعتنا باشید.

شرکت بدون دفاترش معنا ندارد و دفاتر شرکتها هم باید با نیازهای امروز و ضرورتهای آن هماهنگ شود.

مقرر شد تمام قانون تجارت بانوجه به شرایط و اوضاع و احوال امروز مورد بازنگری قرار گیرد.

تحقیقات ما در دو بخش انجام گرفت: میدانی و کتابخانه ای که مطالعات تطبیقی را هم دربرمی گرفت.

اقتصاددانان، تجار، بانکداران، حسابرسان خبره و به طور کلی دست اندرکاران تئوری و عملی تجارت در بخشهای مختلف، در شورای بازنگری قانون تجارت حضور دارند.

اصلاح و تدوین می کنید و دفاترش همان دفترهای چهارگانه ۱۳۱۱ باشد که نمی شود. پس دفاتر شرکتها هم باید با نیازهای امروز و ضرورتهای آن هماهنگ شود. لذا این مساله یکپارچگی را می طلبد.

جامع نگری

یک دیدگاه هم این بود که کل قانون تجارت را موردبررسی قرار داده و اصلاح کنیم. طبیعتاً کسانی که دارای برخوردار قاعده مند و قانون مند و علمی هستند کمتر زیربار این مسأله می روند که یک کار کارمزدی انجام دهند و فقط طبق دستور کارفرما تنها بخشی از قانون را بدون توجه به سایر قسمتهای آن دستکاری کنند.

باید کاری انجام شود که قابل استفاده برای جامعه باشد، لذا دیدگاه دیگر این بود که ما کلاً قانون تجارت را بانوجه به شرایط و اوضاع و احوال امروز ببینیم ولی نه اینکه تمام آن را واژگون و زیوررو کنیم. پس قرار شد تمام قانون مورد بازنگری قرار گیرد و دولت هم پذیرفت و برای پیشگیری از کارهای موازی، هیأت محترم وزیران تصویب نمود که متولی اصلی این امر وزارت بازرگانی باشد و سایر وزارتخانه ها و دستگاههای ذی ربط با وی همکاری نمایند.

اما مشکل زمان، همچنان باقی بود. همزمان تقاضا شده بود که مهلت بیشتری داده شود. برنامه دولت هم این بود که هرچه بیشتر انرژی صرف این قضیه شود که زمان به حداقل خود برسد. بنابراین با حداقل تمديد موافقت شد و ازسویی هم، شبانه روز تیم های مختلف کار کردند.

وقتی پیش نویس اولیه تهیه شد، همه مشاهده کردیم که نسبت به آنچه که در جلسات اول صحبت شده بود، کارهای عمیق تری انجام شده است.

البه پیش نویس اولیه قانون در چهار قسمت مختلف به وسیله چهار گروه تهیه شده است. اینجانب فقط در مورد آن قسمت که مجری آن بوده ام، صحبت می کنم.

نیازسنجی

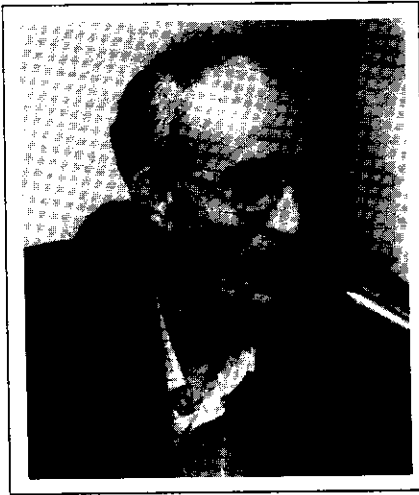
ما تیمهای تحقیقاتی را به جاهای مختلف فرستادیم. به وسیله پرسشنامه های مختلف و

خودگروهها نیازسنجی شد و تحقیقات و پژوهشهای وسیعی نیز انجام شد. این تحقیقات شامل ۲ بخش بود تحقیق میدانی و کتابخانه ای که مطالعات تطبیقی را هم دربرمی گرفت. ما ناگزیر بودیم که حقوق تجارت فرانسه و حتی حقوق تجارت آمریکا و انگلیس را هم مطالعه کنیم. در برخی موارد حتی قوانین مرتبط چین و چک و اسلواکی را هم ترجمه کردیم. ولی چون قانون ما اقتباسی از فرانسه بود، بیشتر به حقوق فرانسه توجه داشتیم. چند کار جدی تر هم انجام شد. برای استفاده از نظرات دانشمندان، دانشگاهیان، قضات و وکلای دادگستری و تجار و کسبه و غیره، وزارت بازرگانی در جراید کثیرالانتشار چندین مرتبه، فراخوان برای اصلاح قانون تجارت را منتشر کرد. با احداث سایت اینترنتی مخصوص از کلیه صاحب نظران نظرخواهی کردیم. وقتی نظرات را دریافت کردیم، پیش نویس را تسدوین کرده و برای افراد فرستادیم. قبل از هر چیز یک دوره در شورای بازنگری، سیاستهای کلی را تصویب کردیم و بعداً قرار شد جزئیات را تدوین کنیم. این همان پیش نویس دوم است.

بعد از پیش نویس دوم که برای بیش از ۱۳۰ مرجع از جمله وزارتخانه ها و بخشهای علمی و اجرایی فرستادیم. بسا دریافت نظرات و پیشنهادها جدید، در نهایت پیش نویس نهایی تنظیم شد. دست آخر همه اینها به شورای بازنگری و اصلاح قانون که خودم نیز عضو آن هستم رفت و مورد تصویب قرار گرفت. علاوه بر اعضای هیأت علمی دانشگاهها از جمله اعضای شورا می توان به نمایندگان این دستگاهها اشاره کرد: وزارت اموراتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، وزارت دادگستری، وزارت بازرگانی، وزارت صنایع و معادن، وزارت تعاون، وزارت کسار و امور اجتماعی، دفتر حقوقی ریاست جمهوری، بانکها، سازمان حسابرسی، قوه قضائیه، حسابداران خبره و اقتصاددانان.

بنابراین اقتصاددانان، حقوق دانان، تجار، بانکداران و حسابرسان خبره و به طور کلی دست اندرکاران تئوری و عملی تجارت در بخشهای مختلف، در شورای بازنگری حضور دارند.

دکتر اسکینی: درخصوص مندولوژی باید



دکتر اسکینی:

در خصوص متدولوژی پیش نویس قانون تجارت باید گفت که عمده ترین مساله به همان مصوبه هیأت دولت بر می گردد.

طرح قانون تجارت می بایست براساس یک سلسله مطالعات میدانی و ضرورتهایی که ایجاد یا اصلاح قانون تجارت را ایجاب کند تهیه و تدوین می شد، ولی این گونه نبوده است.

این نکته که آیا مصوبه دولت یک گزارش توجیهی داشته است که براساس آن قانون تجارت باید اصلاح شود یا کاملاً تغییر پیدا کند، معلوم نیست.

به نظر می رسد که دولت بدون توجه به واقعینهای امر، مدت کوتاهی را برای تدوین قانون تجارت تعیین کرده است.

ساختار قانون فعلی تجارت باتوجه به تجربیات گذشته بهتر است حفظ شود. البته تغییر یا اصلاح کامل آن موکول به این است که مطالعه شود کدام یک ضروری تر است.

هم ابتدا قرار شد که دو گروه - گروهی که در مرکز پژوهشهای مجلس تشکیل شده بود و آن گروه که در وزارت بازرگانی تشکیل شده بود - در هم ادغام شوند. ولی پس از یک رشته توافقات، کار به وزارت بازرگانی سپرده شد. به هر حال به اعتقاد من بایستی یک گروه کاری قوی تشکیل می شد، عده ای بررسی می کردند، گزارش می دادند و این کار ۲-۱ سال زمان می برد تا اینکه ما یک قانونی مبتنی بر چارچوب قانون قبلی می داشتیم.

این کار شدنی بود، چرا که ما ساختارها را داریم. تجربه، رویه قضایی و دکترین داریم. راجع به حقوق تجارت، نقدهایی نوشته شده است، هرکسی معایب و ابهامات قانون تجارت را که به نظرش رسیده گفته است. این متدی که آقای دکتر فیضی اشاره کردند که برای تدوین قانون تجارت جدید در پیش گرفته شده است، من در کار دیگری ندیدم.

نتیجه این متدولوژی آن است که می بینیم هنوز هم، مدام زمان تهیه قانون تمدید می شود. اگر از ابتدا آن روش درستی که پیشنهاد کردیم به کار گرفته می شد در کسی هم توقع ایجاد نمی شد که شش ماهه قانون تجارت قابل تدوین است.

چیزی که من واقعاً مشتاق به انجام آن بودم این بود. ولی کاری که بعداً انجام شد این بود که نظراتی که در بخشهای مختلف آورده بودند برای وزارتخانه ها و اساتید مختلف فرستادند و نظرخواهی کردند.

همه اساتیدی که من با آنها صحبت کردم می گفتند جواب ما منفی است و کاری که در مدت شش ماه نمی توان انجام داد، چرا وارد آن شویم. به هر حال ما نظر خودمان را در محدوده مهلت کوتاهی که تعیین شده بود دادیم.

متأسفانه وزارتخانه ها نیز همکاری لازم را نکردند و نظریات جمع آوری شده بسیار ناچیز بود. درحالی که به نظر من این کار بسیار ساده و آسان بود و هرکسی می توانست حداقل راجع به کار خودش نظراتی را ارائه کند، که قانون فعلی ما در اجرا باچه مشکلاتی مواجه است و چه کمبودهایی احساس می کند.

صفار: تاکید بسنده اساساً بر مشکلات و تنگنای قانون تجارت است، چرا که اگر آنها

بگویم که عمده ترین مساله به همان مصوبه هیأت دولت برمی گردد. به طور معمول هیأت دولت وقتی یک قانونی وضع می کند که نهادها یا اشخاصی به او اطلاع می دهند که تدوین چنین قانون ضروری است.

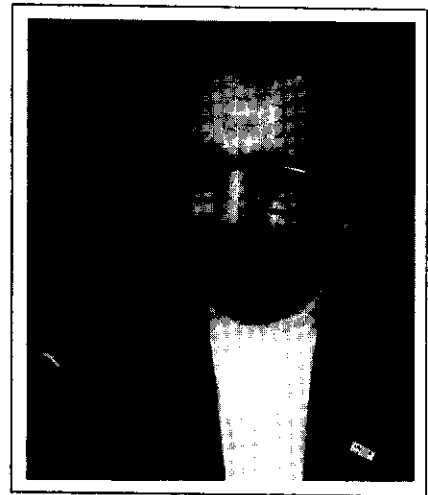
طرح قانون تجارت هم می بایست براساس یک سلسله مطالعات میدانی انجام شده و ضرورتهایی که ایجاد یا اصلاح قانون تجارت را ایجاب کند تهیه و تدوین می شد، ولی تا آنجا که ما می دانیم این گونه نبوده است.

حفظ ساختار

این نکته که آیا این مصوبه یک گزارش توجیهی داشته است که براساس آن بتوان گفت لازم است قانون تجارت باید اصلاح شود یا کاملاً تغییر پیدا کند، معلوم نیست. به نظر می رسد که بدون توجه به واقعیت های امر، دولت مدت کوتاهی را برای تدوین قانون تجارت تعیین کرده است. وقتی نتیجه برای اجرا می آید، آقایان مجری بلافاصله یک عده از افراد متخصص و صاحب نظر را دعوت می کنند و می بینند که انجام این کار در مدت شش ماه ممکن نیست و چندین بار مهلت تمدید می کنند. از طرف مرکز پژوهشهای مجلس از خود ما هم دعوت شد و حدود شش ماه طول کشید تا قانون تجارت فعلی را بررسی کردیم و گفتیم ساختار این قانون باتوجه به تجربیات گذشته بهتر است حفظ شود. حالا تغییر یا اصلاح کامل آن موکول به این است که مطالعه شود کدام یک ضروری تر است.

هر بخشی را به یکی از اساتید واگذار کردیم تا هر کدام با تشکیل گروههای کاری، کار میدانی انجام دهند. قرار شد بالاخره سرگروه، مجموعه این اطلاعات را به اصطلاح خمیر کند و تحلیل خود را پیشنهاد کند. قاعدتاً در این پیشنهادها مشخص می شود که قانون ضرورت دارد در کجا تغییر کند و در چه جاهایی اصلاح شود. همچنین معلوم می شد چه وسائلی را می توان برای این تغییر به کار برد، مثلاً می توانستیم بگویم قانون فرانسه یا کنوانسیون ژنو و یا کنوانسیون وین می تواند الگو باشد یا نباشد.

در حال ما این سیستم را پیاده کردیم و قرار بود اجرایی کنیم که یک مرتبه دیدیم که طرح از وزارت بازرگانی سردرآورد. در آنجا



صفا:

در کشور ما به دلیل وجود درآمد نفت، بحث تجارت هیچوقت مساله اول نبوده و این بخشی از بی توجهی به مساله تجارت و به تبع آن قانون تجارت است.

بی توجهی به قانون تجارت، عدم اقبال به تجارت شرکتي و شفاف را در پی داشته است

یکی از مشکلات عمومی قانون تجارت، قدمت آن است و به همین جهت در حال حاضر از قابلیت‌های آن کاسته شده است.

بحث حقوق اقلیت، یکی از مشکلات شرکتهاست و این مساله باید به نحوی در پیش نویس قانون تجارت حل شود.

در حال حاضر برای حسابرسی معیارها و ضوابط مشخصی داریم، ولی برای بازرسی چنین نیست. تبیین وظایف بازرسی بسیار ضروری است.

هماهنگی قانون تجارت با مالیات، اهمیت بسیار دارد، بویژه بحث ادغامها و انتزاعات حتماً باید با بحث قانون مالیاتها هماهنگ شود.

مشخص شود، شاید رفع آنها ساده تر باشد. قبل از ورود به جزئیات لازم است به این نکته عمومی اشاره شود که اساساً تجارت، بخشی اساسی از درآمدها و فعالیتهای ملی هر کشور است. در کشور ما به دلیل وجود درآمد نفت، بحث تجارت هیچ وقت مساله اول نبوده و این بخشی از بی توجهی به مساله تجارت و به تبع آن قانون تجارت بوده است. ضمن آنکه در سالهای پس از انقلاب و نیز قبل از آن به رغم اینکه دولت خود تاجر هم بوده است، زیاد پایبند به این مسائل نبوده، چرا که تسهیلات لازم را خودش فراهم می کرده است.

این بی توجهی، پیامدی ناگوار داشته و آن اینکه اقتصاد و تجارت شرکتي، از رشد لازم برخوردار نبوده است و تجارت و بازار به اصطلاح سنتی و غیر شرکتي، هنوز نقشی بسیار فعال در اقتصاد کشور دارد. پس بی توجهی به قانون تجارت، عدم اقبال و تمایل به تجارت شرکتي و به زعم ما تجارت شفاف را در پی داشته است. این امر بر خیلی از مسایل دیگر کشور از جمله مساله مالیات و فرهنگ مالیاتی نیز تاثیر زیادی داشته و دارد.

مشکل عمومی دیگر قانون تجارت، قدمت آن است. وقتی موضوع قدمت پیش می آید؛ یعنی آنکه قانون در زمان خود خوب بوده، ولی در حال حاضر از قابلیت‌های آن کاسته شده است. برای مثال مفاد ماده ۱۲۹ یکی از فزایندهای مثبت و بسیار مترقی قانون است، اما با توجه به گسترش و تنوع فعالیتها و روابط گروه شرکتها این ماده نیازمند اصلاحاتی جدی است. علاوه بر موضوعات عمومی و نیز مواردی که توسط دیگر دوستان بویژه جناب آقای درویش اشاره شد، مشکلات و تنگناهای دیگر قانون تجارت در بحث شرکتها که باید در اصلاح به آن توجه شود، چند موضوع است.

شرکتها و قانون تجارت

اولین مطلب، رعایت حقوق اقلیت است. یکی از مشکلاتی که در شرکتها داریم، بحث حقوق اقلیت است. دوستان کاملاً مطلع هستند که الان در سازمان بورس، خیلی از شرکتها دو قیمت دارند: یکی متعلق به سهامداران اصلی و دیگری متعلق به سهامداران دیگر، این مساله باید به نحوی حل شود.

بحث دیگر، تدوین وظایف بازرسی است که در زمان تصویب قانون تجارت فعلی در

همین حد کافی بوده است، ولی الان حتماً باید ضوابط بازرسی تعریف و تدوین شود. ما سعی کرده ایم در این مدت از طریق قوانین بقبولانیم که وظایف بازرسی، حداقل شامل وظایف حسابرس هم هست؛ یعنی یک بازرسی حتماً باید حسابرس هم باشد به اضافه چیزهای دیگر (یعنی فعالیتهایی مازاد بر حسابرسی). نکته مهم آن است که در حال حاضر برای حسابرسی، معیارها و ضوابط مشخص داریم، ولی برای بازرسی چنین نیست. بنابراین تبیین وظایف بازرسی به نحوی که حداقل شامل وظایف حسابرسی باشد، بسیار ضروری است. این امر بر اساس قانون اساسنامه سازمان حسابرسی و قوانین جامعه حسابرسان ایران جاافتاده و ما پیگیر آن هستیم که منطبق موضوع را به دیگران نیز منتقل کنیم.

در این خصوص اشاره به یک مطلب نیز ضرورت دارد و آن بحث استانداردهای حسابداری و حسابرسی است. می دانید در برخی کشورها از جمله انگلستان، بخش عمده ای از استانداردها در قانون شرکتها گنجانده شده است. در ایران این موضوع فعلاً عملی به نظر نمی رسد، اما می توان به عنوان معیار کار تهیه کنندگان صورتهای مالی؛ یعنی مدیران و حسابرسان در قانون تجارت مورد توجه قرار گیرد.

و بالاخره هماهنگی قانون تجارت با مالیات، اهمیت بسیار دارد، از جمله در بحث ادغام، ترکیبات و انتزاعات که یک طرفش مالیات است. برای مثال در بنیاد مستضعفان در یک زمانی حدود ۲۰۰ شرکت در حال تصفیه بودند و این تصفیه قانونی نبود، بلکه شرکتها عملاً به صورت تخلیه در یک گوشه گذاشته می شد، چرا که مراحل تصفیه بسیار پیچیده است. بنابراین بویژه بحث ادغامها و انتزاعات حتماً باید با بحث قانون مالیاتها هماهنگ شود.

خادم معبودی: اجازه دهید در ابتدا به یک تجربه تاریخی دهه ۴۰ در ایران اشاره کنم. قانون مالیاتها و قانون تجارت طی دو سال پیاپی در دهه ۴۰ و در نیمه دوم آن اصلاح شد. در یک فرصتی به صورت تصادفی به مصوبات دهه ۴۰ شورای اقتصاد برخورد کردم. مطالعه این مصوبات نشان می دهد که اصلاحات قوانین اشاره شده ناشی از این بود که در دهه ۴۰، یک



خادم معبودی:

قانون تجارت بیشتر کمبود دارد و وزن کمبودها، سنگین تر از ایرادهای آن است.

شرکتهای مادر، ادغام شرکتهای و دادگاه قانون تجارت از جمله کمبودهایی است که در قانون تجارت به چشم می خورد.

حسابهای تلفیقی دقیقاً با منافع سهامدار سروکار دارد و جای آن در قانون تجارت بسیار خالی است.

در بخش قضایی کشور باید یک دادگاه مختص قانون تجارت داشته باشیم.

من تعریف واژه حسابرس را در پیش نویس ندیدم، در حالی که در همه جا بار اصلی بر دوش حسابرس قرار دارد.

نکته ای که نیازش در قانون تجارت حس می شود، ارتباط قانون با تکنولوژی روز و پیشرفتهای صورت گرفته در جوامع امروز است.

در پیش نویس، تعاریفی از اصطلاحات جدید مثل «مدیر سایه» آمده است که خیلی شفاف نیست.

تصمیمی بگیرد و منافع سهامدار از بین برود، آیا با زندانی شدن مدیر، این منافع برگشت داده خواهد شد؟ اگر آن مدیر ده میلیون تومان هم جریمه شود، آیا منافع برگشت داده می شود؟ چیزی که به نظر من در این زمینه ساکت است انتهای کار است. اگر تصمیمی گرفته شد، اینکه حالا مدیر جریمه شود و به زندان برود به کنار، منافع سهامدار چه می شود؟ یعنی متولی در قانون باید با یک تصمیم مناسب، منافع سهامدار را بازگرداند. در پیش نویس، به این موضوع بدین شکل پرداخته نشده است.

به ارتباط قوانین مانند قانون تجارت با قانون مالیاتها، بسیار بجا اشاره شد. در واقع باید میان آنها، یک ارتباط نزدیک وجود داشته باشد. در کنار این مساله، بخشی از کمبودها همچنان در پیش نویس به چشم می خورد. مثلاً من تعریف واژه حسابرس را در پیش نویس ندیدم. در حالی که در همه جا، بار اصلی بر دوش حسابرس است.

نکته ای دیگر که نیازش در قانون تجارت حس می شود، ارتباط قانون با تکنولوژی روز و پیشرفتهای صورت گرفته در جوامع امروز است.

در پیش نویس، به درج آگهی در روزنامه کثیرالانتشار اشاره شده است. در جامعه ای که تلویزیون در هر روستایی به چشم می خورد و اینترنت در حال گسترش می باشد، این دیگر جفا است که گفته شود فقط در روزنامه آگهی شود. پس بهتر است آگهی در تلویزیون هم مدنظر باشد، مطمئناً آگهی در تلویزیون بیشتر کاربرد دارد تا در روزنامه. نمی خواهم بگویم فقط تلویزیون، بلکه از الان باید ۲۰ سال آینده را هم دید. با این دیدگاه می توان اینترنت را هم در کنار آن قرار داد.

در پیش نویس، تعاریفی از اصطلاحات جدید مثل «مدیر سایه» آمده است که خیلی شفاف نیست. یا از تعریف شخصیتهای حقوقی شروع شده است که به نظر می رسد جایگاه تعریف شخصیت حقوقی فراتر از درج آن در قانون تجارت باشد.

تدبیر: باسپاس از حضور اساتید و صاحب نظران ارجمند، امیدواریم این گونه نشست های کارشناسی در فرایند تهیه و تصویب قانون تجارت موثر و مفید واقع شود. بخش دوم این میزگرد در شماره آینده به اطلاع علاقه مندان خواهد رسید. □

استراتژی صنعتی برای کشور ریخته شد، که از ایجاد صنایع شروع شده و به اصلاح قوانین ختم شده است. به بیان دیگر شما وقتی از دهه ۴۰ بیرون می آید، آن استراتژی ابزارهایش را به همراه خودش داشته است. بنابراین تجربیات قبلی کشور نشان می دهد که استراتژی صنعت کشور چقدر با قوانین هماهنگ بوده و اصلاحات لازم نیز به موقع صورت گرفته است.

کمبودها

در خصوص اصلاح قانون تجارت، در یک جمله باید بگویم که قانون تجارت قطعاً نیاز به اصلاح دارد. به اعتقاد من قانون تجارت، بیشتر کمبود دارد و وزن کمبودها سنگین تر از ایرادهای آن است. کمبودهای قانون تجارت مانند عدم اشاره به موضوعاتی از قبیل شرکتهای مادر و ادغام شرکتهای و موارد مشابه آن بسیار زیاد است. گاهی اوقات مواردی در عمل پیش آمده است که قانون تجارت در مورد آنها ساکت است یا در آن موقع، تدوین آن پیش بینی نشده است.

در قانون تجارت، جای حسابهای تلفیقی بسیار خالی است. حسابهای تلفیقی دقیقاً با منافع سهامدار سروکار دارد. در سنوات اخیر در مجامع شرکتهای هولدینگ به واسطه الزامی که سازمان حسابرسی برقرار کرده، حسابهای تلفیقی تهیه و ارائه می شود، ولی هیچگاه به آثار این حسابها بر روی منافع سهامدار شرکت مادر اشاره نمی شود و تصمیمات تقسیم سود براساس سود شرکت مادر صورت می پذیرد. ما مواردی داریم که سود شرکت مادر بیشتر از سود تلفیقی است، ولی بدون توجه به این موضوع در مجامع شرکتهای سود شرکت مادر تقسیم می شود که این مصداق بارز تقسیم سود موهوم است.

البته کمبودها زیاد است، ولی به اعتقاد من چیزی که الان در قانون تجارت کم داریم یک دادگاه قانون تجارت است. به نظر من در بخش قضایی کشور باید یک دادگاه مختص قانون تجارت داشته باشیم. در بخش جزا هم اصلاحاتی لازم است که بخشی از آن در پیش نویس انجام شده، ولی به نظر اینجانب کفایت نمی کند.

در یک شرکت سهامی اگر هیات مدیره